



۲۰۱۹/۰۶/۲۶

میر عبدالرحیم عزیز

اجماع ناموس فروشان مسلکی در لاهور



عده ای از پست ترین، خائن ترین و بی مسلک ترین انسان های شرف باخته به بهانه کنفرانس صلح به پاکستان رفتند تا بار دیگر قسمتی از خاک میهن را در اختیار بردگان پاکستانی قرار دهند. به چهره های کثیف این ناموس فروشان نیمه نگاهی اندازید، خواهید دید که چه خون آشامانی به این ذلت و پستی تن در داده و چطور خود را با قبای خیانت به پاکستان به فروش میرسانند. مزدوری این فسله های حیوانی تازگی ندارد. پاکستان همان افرادی را احضار نموده که سال ها آنها را در اختیار خود داشته و از وجود کثیف شان علیه افغانستان استفاده نموده است. دولت مستعمراتی کابل آنقدر در زد و بند های سیاسی مصروف است که کمتر متوجه جریانات ضد میهنی میشود. البته نباید تعجب کرد، زیرا دولت مستعمراتی کابل خود تا گلو در اعمال ضد میهنی غرق است.



به بی عزتان دایمی نظر اندازید

در سال های حاکمیت طالبان سیاه اندیش، مزدوران شورای نظار در حوزه و اشنگتن ماه چند بار مقابل سفارت پاکستان مظاهرات جعلی را به راه می انداختند و این کشور را در مداخله در امور افغانستان و حمایت از طالبان "محکوم" نموده و شکوه داشتند که چرا پاکستان به آنها کم مهری می نماید. بعد از تجاوز امریکا و سرنگونی طالبان، مزدوران شورای نظار به یک بارگی از مظاهره علیه پاکستان دست کشیدند که گویا این کشور اصلاً بیش ازین در امور افغانستان مداخله نمی نماید. زمانیکه مرد و زن مزدوران شورای نظار در بعضی پست های دولت دست نشاندۀ کابل نصب شدند و در استخدام امپریالیسم جهانی درآمدند، موضوع مداخله پاکستان به کلی فراموش شد. همه این انسان های کثیف و آلوده مصروف جمع آوری دالر و بدست آوردن مقام شدند. بعداً آشکار شد که فعالیت ضد پاکستان این جرثومه ها کاملاً تصنعی و روی دستور و اوامر دیگران بود.

همان بود که این بی هویتان و پست فطرتان بعداً به نفع پاکستان داخل فعالیت شدند و تقاضا نمودند که افغانستان خط دیورند را به رسمیت بشناسد. یکی از فرومایگان مونث و شوونیست شورای نظار چند سال قبل در یکی از نشست ها در پاریس پهلوی خائن اعظم روان فرهادی نشسته و با الهام از افکار ضد میهنی دیپلمات سابق وزارت خارجه، اظهار داشت که "افغانستان باید خط دیورند را به رسمیت بشناسد." این لوده و بی دانش که بعداً مشاور عبدالله مقرر شد، اصلاً نمیداند که خط دیورند چطور به وجود آمد و پس منظر تاریخی آن چه است. در سال های مظاهرات جعلی ضد پاکستان، رهبری این گروه در دست سید مخدوم رهین (پسر خاله اینجانب) وزیر اطلاعات و کلتور نظام مستعمراتی بود که از حامیان تجزیه افغانستان به شمار میرود. این فرد ضد افغانستان ده ها تن به شمول خواهر زاده های خود را در راه خیانت به افغانستان رهنمائی نموده و بعداً آنها را به حال خود شان رها کرد و خود در دولت مستعمراتی کابل جا گرفت.



به این عکس نگاهی اندازید که چه فرومایگانی را مشاهده می نمایید

دلیلی که جریان بالا را ذکر کردم این است که در اجماع میهن فروشان در لاهور دو جاسوس و خاک فروش معروف مانند ولی مسعود و عطاء نور و همراهان شان از شورای نظار و منافقان جمعیت اسلامی اشتراک نمودند. اینها کسانی اند که تا حال ده ها بار افغانستان را به فروش رسانیده اند: بار اول به پاکستان، بار دوم به شوروی و روسیه

و ایران، بار سوم به امریکا، بار چهارم باز هم به پاکستان که هنوز خیانت ضد افغانستان این فضله ها ادامه دارد. اعضای این گروه بی مسلک و بی وجدان آنقدر فرومایه اند که اگر روزی کشور افریقائی حبشه به افغانستان تجاوز نماید، در خدمت تجاوز گران حبشی قرار خواهند گرفت، زیرا خیانت به افغانستان برای شان به یک فرهنگ جبلی مبدل شده است. با درک تیرگی در روابط امریکا و ایران، میهن فروشان شورای نظار خود را دوباره به کشوری نزدیک می سازند که ایشان را در اواسط دهه هفتاد قرن بیستم علیه افغانستان تربیه و آموزش داده بود. شب های جشن سال ۱۹۷۵ به یادم است که چطور احمد شاه مسعود و گلبدین حکمتیار به هدایت آی اس آی پاکستان بنای تخریب و شورش را در نقاط مختلف افغانستان گذاشتند.



درین عکس به چهره های کثیف میهن فروشان با قریشی وزیر خارجه پاکستان نظر اندازید

سایر افراد دیگر در اجماع لاهور عبارت اند از: گلبدین حکمتیار یکی از جواسیس وفادار پاکستان، حنیف اتمر که تا حال چند بار خرید و فروش شده است، خلیلی و محقق دو تن از مزدوران اجنبی و قاتلان مردم افغانستان، سید احمد گیلانی پسر نقیب که از پدر پدر در خدمت استخبارات انگلیس بوده، سید منصور نادری (کیان) سابق میلشیاای دولت مزدور شوروی و لطیف پدram غیر مشروع، تجزیه طلب و مانند سید مخدوم رهین دشمن تمامیت افغانستان و ده ها تن دیگر که آرزوی بربادی افغانستان را در دل می پروراند.



با افتخار میهن فروشانه نشسته اند

جان موضوع در کجاست و چرا چنین دعوتی از جانب پاکستان به راه افتاد؟ از مدتی است که جنبش های مردم پشتون و بلوچ آن سوی خط دیورند، دولت مزدور پاکستان را دست و پاچه ساخته است. پاکستان هراس دارد که روزی جنبش های مردمی پشتون ها و بلوچ ها به یک رستاخیز واقعی و نهضت سرتاسری تبدیل شود که تجزیه پاکستان را به دنبال خواهد داشت. از اینرو با یک عده از بی مسلکان و میهن فروشان اقوام، بالاخص اقلیت های افغانستان داخل تماس شده و از ایشان دعوت به عمل آورده است که در نشست لاهور اشتراک نمایند. حامد کرزی بی هویت از رفتن به پاکستان خودداری نمود، زیرا حد اقل فهمید که هدف پاکستان چه است؟ منافع اقلیت های افغانستان و پاکستان به ارتباط پشتون ها یکی است. اقلیت های افغانستان ازین هراس دارند که مبدا روزی پشتون های آنطرف سرحد به افغانستان ملحق شده و یکجا با پشتون های افغانستان کتله عظیمی را تشکیل دهند که در آن صورت تغییرات نفوسی که ابعاد سیاسی خواهد داشت، در افغانستان پدید خواهد آمد و توازن کلاً به نفع پشتون ها تغییر خواهد خورد. از نگاه اقلیت های افغانستان بالاخص تاجکان و هزاره ها، بهتر است که افغانستان خط دیورند را به نفع پاکستان به رسمیت بشناسد تا پشتون های پاکستان آرزوی الحاق به افغانستان را از دل دور کرده و نتوانند نسبت و تناسب نفوس کنونی را در افغانستان برهم بزنند. ناگفته نباید گذاشت که میهن فروشان مسلکی تقاضای برپادی و تجزیه افغانستان کنونی را هم دارند و کشوری را به نام افغانستان نمی پذیرند، در حالیکه خود به امر اجانب وزیر و وکیل کشوری به نام افغانستان شده اند. سید مخدوم رهین و لطیف پدram از زمره افرادی اند که به نابودی افغانستان روز شماری می نمایند.

با این طرز دید، میهن روشانی که بیشتر شان متعلق به گروه شورای نظار و جمعیت اسلامی اند، به لاهور رفته و به نفع اسلام آباد عربده می کشند. برای برحق جلوه دادن خیانت خود به افغانستان، میهن فروشان شورای نظار و دیگران اذعان می کنند که اگر افغانستان خط دیورند را به رسمیت بشناسد، پاکستان از مداخله در امور افغانستان خودداری کرده و صلح و آرامش در کشور حکمفرما خواهد شد. چه ادعای احمقانه و خائنانه دست پاکستان تا شانه در حلق افغانستان فرورفته است. خواه افغانستان خط دیورند را به رسمیت بشناسد و یا نشناسد، در موقف پاکستان نسبت به افغانستان کمترین فرقی نخواهد آمد. زمانیکه پاکستان میهن روشانی مانند حکمتیار ها، مسعود ها، اتمر ها، نقیب ها، خلیلی ها، پدram ها و محقق ها و صد ها تن دیگر را در خدمت خود داشته باشد، شناخت و یا عدم شناخت خط دیورند برایش ارزش ندارد.

جای تعجب اینکه این فاصله های تاریخ همیش عبدالرحمان خان را محکوم به خیانت می نمایند، در حالیکه خود ۱۲۶ سال بعد پنجاه مراتبه خائن تر از عبدالرحمان خان و ده ها مراتبه خائن تر از طالبان اند. قریشی وزیر خارجه پاکستان گفت که "عمق ستراتیژیک یک پروپاگند است. پاکستان هرگز در فکر عمق ستراتیژیک در افغانستان نیست". در جریان حاکمیت طالبان، مزدوران شورای نظار همیش در ظاهر پاکستان را به منظور خلق عمق ستراتیژیک مورد سرزنش قرار میدادند. دلیلش معلوم بود که چرا پاکستان آنها را از نظر دور انداخته است. حال که پاکستان روی دلایل خاص سیاسی، مزدوران سابق خود را بار دیگر در آغوش می کشد، پست فطرتان

شورای نظار، جمعیت اسلامی، حزب اسلامی و وحدت اسلامی و سایر تجزیه طلبان جانب پاکستان را گرفته و موقف این کشور را به ارتباط افغانستان تائید می نمایند.

شناخت یک جانبه خط و معاهده دیورند، بزرگترین جنایت و خیانت خواهد بود و حامیان شناخت این خط برای ابد ملعون تاریخ خواهند شد. شناخت خط دیورند زمانی ارزش حقوقی خواهد داشت که بعد از اعاده استقلال و حاکمیت ملی افغانستان، رفراندم به راه افتد و همه مردم افغانستان در نظر خواهی سهم شوند. نتیجه این نظر خواهی به ارتباط شناخت خط دیورند قابل احترام خواهد بود.



تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده را مطالعه کنند، می توانند با اجرای "کلیک" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به فهرست "آرشیف" شان رهنمائی شوند!



اجماع ناموس فروشان مسلکی در لاهور

[R_azia_۰۰_ejma_namoos_froshan_maslaki.pdf](#)